

با سلام،

موضوع: تعهد به آلت معادل است با نبستن فضای درون و از دست ندادن شادی و طَرَب.

وقتی خداوند انسان را خلق کرد از او پرسید که «آیا تو از جنس منی؟» ما هم جواب دادیم: «بلی». اما پس از مدتی با چیزها و فرم‌ها هم هویت شدیم، و فراموش کردیم که از جنس خدا یا زندگی هستیم. تصور کردیم از جنس چیزها هستیم، و با کم و زیاد شدن آنها بالا و پایین شدیم.

آلت مربوط به این لحظه است، یعنی زندگی در همین لحظه این سوال را از ما می‌پرسد. و ما هم در همین لحظه پاسخ او را می‌دهیم. یا به عهد آلت وفا می‌کنیم و درون خود را عدم نگه می‌داریم، و یا با مقاومت خود، به زندگی می‌گوییم که من از جنس تو نیستم.

جنس خداوند، بینهایت فضاگشایی است. جنس خداوند بینهایت شادی و طَرَب است.

پس هر بار با مقاومت کردن، فضای درون را می‌بندیم، هر بار دچار انقباض می‌شویم، و به خاطر مقاومت خود در برابر اتفاق این لحظه که بازی زندگی و ظاهر است، طَرَب و شادی بی سبب را تجربه نمی‌کنیم، به عهد است وفا نمی‌کنیم.

وفای به عهد آلت، حداقل به صورت نسبی، این است که تمام همت و تلاش خود را بگذاریم که وقتی اتفاقی افتاد که می‌بینم فضا دارد بسته می‌شود، فضای درون را باز نگه داریم، و شادی و طَرَب خود را از دست ندهیم.

من طربیم، طرب منم، زُهره زند نوای من

عشق میان عاشقان، شیوه کند برای من

دیوان شمس، غزل شماره ۱۸۲۵

با احترام،

پریسا از کانادا